

پگاه زارعی
گفت‌وگو

سریال پلیسی «الگوریتم» به کارگردانی بیژن میرباقری و طراحی و تهیه‌کنندگی ابوالفضل صفری این روزها از آنتن شبکه سه پخش می‌شود و نظر مخاطبان را به خود جلب کرده‌است؛ این سریال از جمله آثار پر بازیگر تلویزیون محسوب می‌شود که در آن طیف متنوعی از بازیگران حضور دارند، نقش اصلی آن را بهادر زمانی ایفا می‌کند و هنرمندانی نظیر مهدی زمین‌پرداز، بهار قاسمی، پیام احمدی‌نیا، محسن قصابیان و... در آن به ایفای نقش می‌پردازند. در ادامه گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه صبا را با بهادر زمانی بازیگر و بیژن میرباقری کارگردان سریال «الگوریتم» می‌خوانید.

گفت‌وگوی
روزنامه صبا
با عوامل سریال
پلیسی
«الگوریتم»

بهادر زمانی
بازیگر نقش
«سرگرد کیان»:

دست و پایم سر صحنه شکست
شش ماه در آگاهی شاپور کار کردم

چطور شد که سریال «الگوریتم» به شما پیشنهاد شد و چرا تصمیم گرفتید در آن بازی کنید؟ فقط به خاطر خود نقش بود یا اینکه به ژانر پلیسی علاقه دارید؟
این کار از جهاتی برایم تازه بود. وقتی جزئیات بیشتری از پروژه شنیدم، متوجه شدم فیلمنامه هنوز در حال بازنویسی است و نسخه‌تهایی در اختیار نداشتم، اما به‌صورت کلی از شمایل نقش خبر داشتم و با تهیه‌کننده هم صحبت کرده بودم. در سابقه کاری‌ام تا به حال نقشی با چنین ساختاری نداشتم، برای همین برایم جذاب بود، چون اولین بار بود که با چنین کاراکتری روبه‌رو می‌شدم. نکته دیگر هم این بود که معمولاً برای من نقش‌های اصلی درام جذاب‌ترند، چون تأثیر بیشتری در قصه دارند. اهمیت تأثیر شخصیت در درام برایم بسیار زیاد است. در «الگوریتم» هم برخلاف خیلی از داستان‌هایی که شخصیت‌های منفی محور قصه‌اند، اینجا شخصیت‌های پلیسی و مثبت، جلو برنده داستان‌اند. همین باعث شد که با تهیه‌کننده و کارگردان به یک نقطه مشترک برسیم و کار را شروع کنیم.

گفتید پیش‌برد درست نقش برایتان اهمیت دارد. برای رسیدن به نقش «سرگرد کیان» چه کارهایی کردید و چه سختی‌هایی داشتید؟

بازخوانی جرم و عدالت در شهری بی‌قرار

پلیس‌هایی که در سینما یا نمایش خانگی دیده‌ایم نزدیک‌تر است و تا امروز چنین پلیسی در تلویزیون ندیده بودیم. این اتفاق حاصل بافشاری تهیه‌کننده، کارگردان و همکاری من بود تا تفاوتی واقعی شکل بگیرد.

به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر دیدگاه‌ها نسبت به نمایش نیروهای نظامی و انتظامی بازتر شده‌است. مثلاً در فضای مجازی بعضی مأموران معروف شده‌اند که مردم از رفتار واقعی‌شان استقبال می‌کنند. شما هم چنین چیزی را احساس کردید؟

بله، دقیقاً. من همین موضوع را بارها با ناظرهای نیروی نظامی مطرح کردم. درست است که فشار روی خود آن‌ها زیاد است تا اثری بی‌حاشیه تولید شود، اما ما احساس کردیم جامعه امروز نیاز دارد پلیسی مقتدر و واقعی ببیند. ما به عنوان گروه سازنده احساس مسئولیت اجتماعی کردیم. ما به‌خشی که امروز در جامعه وجود دارد، مردم باید پلیسی را ببینند که محکم و جدی در برابر زهک‌ها می‌ایستد، نه پلیسی که با مهربانی تذکر می‌دهد. برخورد قاطع با مجرم باعث بازدارندگی است و ما همین نگاه را در ساختار «الگوریتم» دنبال کردیم.

شما گفتید مدتی در آگاهی شاپور کار می‌کردید. این فضاهای سنگین از نظر روانی روی شما تأثیر گذاشت؟

چرا، قطعاً گذاشت. من که ذاتاً پلیس یا قاضی نیستم، آمادگی روحی برای روبه‌رو شدن با پرونده‌های سنگین را نداشتم. آگاهی شاپور یکی از سخت‌ترین فضاهاست؛ جایی که خیلی‌ها حتی ترجیح می‌دهند سمتش نروند. من چند ماه مداوم رفتم و با پرونده‌هایی مواجه شدم که اگر دو خطشان را کسی بخواند، ممکن است تا یک هفته حالتش خراب شود.

در حالی که دیالوگ می‌گفتم، در اتاق بغلی متهم واقعی بازجویی می‌شد. طبیعی است که تأثیر بگیرم. خودم و حتی یکی دو نفر از بازیگران نقش پلیس، گاهی سر بعضی صحنه‌ها آن قدر تحت فشار قرار می‌گرفتم که می‌رفتم گوشه‌ای و گریه می‌کردیم. دیدن صحنه‌هایی که عادت نداری ببینی، مخصوصاً وقتی با حق‌کشی یا رنج آدم‌ها روبه‌رو می‌شوی، بی‌تأثیر نمی‌ماند. وقتی به عنوان آدمی از بیرون وارد آن فضا می‌شوی، کسی که دستش به جایی بند نیست، فقط می‌توانی غصه بخوری برای آن فاجعه‌هایی که می‌بینی. فشار روانی در آنجا برای هر انسانی سنگین است. مردی وقتی تحت این فشارها قرار می‌گیرد از شدت فشار روانی اشک خودش جاری می‌شود، چون نمی‌داند باید چه کار کند. هیچ راه حلی ندارد.

یک نوع استیصال در انسان ایجاد می‌شود. حالا تصور کنید مأمور آگاهی که هر روز با این پرونده‌ها سر و کار دارد، چه حال و روزی دارد.

نکته عجیبی که برایم وجود داشت، این بود که ما در جامعه فقط شنیده‌ایم این مأموران چه کارهایی می‌کنند، ولی وقتی از نزدیک می‌بینی، تازه می‌فهمی واقعیت چقدر با تصور ما فرق دارد. هم خودشان و هم خانواده‌هایشان از خیلی چیزها می‌گذرند تا این خدمت را انجام دهند. چون کسی که در آگاهی کار می‌کند، دیگر اعصاب راحتی ندارد. به نظرم بار

تهیه‌کننده و کارگردان هر کدام خواسته‌هایی از این کاراکتر داشتند. من نقاط مشترک بین نگاه آن‌ها را گرفتم و چیزهایی هم از خودم به شخصیت اضافه کردم. فهمیدم که «کیان» شخصیتی است که قرار است مدل‌های مختلفی از روحیه و روانش را در طول قصه ببینیم، اما در عین حال نباید از چارچوب اصلی خودش خارج شود. تصمیم گرفتم برای اولین بار از حالت نمایشی‌ای که در تلویزیون باب شده بود، فاصله بگیرم و به سمت اجرای واقعی‌تر بروم. آقای میرباقری هم دوست داشت همه چیز رئال پیش برود، نه نمایشی.

یکی از لوکیشن‌های اصلی ما آگاهی شاپور بود که حدود دو ماه آنجا کار کردیم؛ در کنار افسران واقعی آگاهی، متهمان و مطلعان واقعی. حتی فضای آن اداره هم واقعی بود. ما تلاش کردیم همه چیز از لباس و تیپ گرفته تا نوع حرف زدن، واقعی باشد. از کلیشه پلیسی همیشه مهربان و بی‌نقص فاصله گرفتیم و به سمت پلیس واقعی رفتیم. چون در کارهای قبلی بیشتر وجه مهربان پلیس را می‌دیدیم، اما من خواستم وجه دیگری را نشان بدهم. بچه‌های آگاهی را از نزدیک دیدم؛ درگیری‌ها، خستگی‌ها، فشارهای عصبی‌شان، روند سخت پرونده‌ها و در عین حال تعهدشان به کار را لمس کردم. سعی کردم پلیسی را نشان بدهم که هم انسان است، هم آسیب‌پذیر. برای اولین بار در تلویزیون پلیسی را می‌بینیم که اگر کسی مرتکب جرم شود و جرمش ثابت شود، افسران نظامی با شدت با او برخورد می‌کنند تا دیگر تکرار نشود. سرگرد کیان خودش هم در زندگی شخصی دچار تناقض است. مردی است که مدعی برقراری امنیت و پایبندی به قانون است، اما در خانواده‌اش می‌بیند خواهرزاده‌اش گرفتار اعتیاد شده. این نشان می‌دهد که فساد، بی‌اخلاقی یا لغزش ممکن است سریع هر کسی بیاورد. برای همین تلاش کردم کیان را انسانی نشان بدهم که در عین خدمت به جامعه، با خود جامعه و حتی خودش هم درگیر است.

در اجرای این نقش، محدودیتی برایتان ایجاد نشد؟ چون معمولاً درباره نمایش رفتار یا گفتار نیروهای نظامی و انتظامی در تلویزیون حساسیت‌هایی وجود دارد.

محدودیت‌ها از همان ابتدا اعمال می‌شوند؛ از زمان نوشتن فیلمنامه تا مجوزها و بعد در اجرا. تلویزیون رسانه‌ای است که باید محتوای اصلاح‌شده پخش کند. نمی‌شود مثل یوتیوب یا فضای مجازی هر چیزی را نمایش داد. رسانه ملی الگوریتم خودش را دارد؛ یعنی باید هر مسئله‌ای را با نگاهی اصلاح‌شده منتقل کند. چون رسانه عمومی است و ممکن است با یک اشتباه، چیزی را به‌صورت ناخودآگاه آموزش دهد.

مثلاً اگر بخواهیم خطای انسانی را نشان دهیم، باید طوری باشد که جنبه آموزشی پیدا نکند. در مناطق یا شهرهای کوچک ممکن است همان صحنه، خودش تبدیل به الگو شود. بنابراین تلویزیون ناچار است محتوا را پالایش کند.

در «الگوریتم» هم در همه سکانه‌ها یک یا دو ناظر کیفی از نیروی نظامی حضور داشتند و گاهی مسائل را با سطوح بالاترشان چک می‌کردند. با وجود این نظارت‌ها، ما توانستیم یک گام جلوتر برویم. پلیسی که در این سریال می‌بینیم، به

